داماد جنایتکار: عـاشق همسرم بودم!


ایران

گروه حوادث/ مرد جوانی که در جنایتی خونین، همسر و مادرزنش را کشته و پدرزنش را هم با پیکری خونین راهی بیمارستان کرده بود، صبح دیروز پس از انتقال به دادسرای جنایی تهران، از انگیزه جنایت و جزئیات روز حادثه گفت. این درحالی است که بازپرس جنایی با توجه به ادعای عامل قتل مبنی براینکه مبتلابه بیماری اسکیزوفرنی است ازپزشکی قانونی خواست در این باره تحقیق کنند.به گزارش خبرنگار جنایی «ایران»، مرد جنایتکار ۴۰ ساله که اسماعیل نام دارد، پس از بازجویی توسط بازپرس «دشتبان» از شعبه دهم دادسرا به بیرون از اتاق منتقل شده بود تا به اداره آگاهی بازگردانده شود. آرام و بی‌صدا نشسته بود. طی چند دقیقه گفت‌وگو به طور عمده سکوت کرد و پاسخ‌هایش به سؤالاتم کوتاه و خلاصه بود. البته به غیر از سکوت، گریه هم می‌کرد اما در اوج سکوت.

● **چه اتفاقی افتاد که همسر و مادرزنت را این‌گونه کشتی وپدرزنت‌راهم‌باچاقوزدی؟** در زندگی‌ام دخالت می‌کردند. اما این تنها دلیل ماجرا نبود. شب‌ها خوابم نمی‌برد و از این مسائل و مشکلات رنج می‌بردم. کلافه بودم وبی‌خوابی اذیتم می‌کرد.

● **آنها چه دخالت‌هایی می‌کردند؟** دخالت در زندگی‌ام. چطور بگم مثلاً من دوست نداشتم همسرم بدون من به عروسی فامیل‌شان برود ولی آنها او را با اصرار خودشان بردند.

● **چرا مخالفت نکردی؟** من عاشق همسرم بودم و دلم نمی‌خواست به او بگویم چکار بکند و چکار نکند.

● **علت بی‌خوابی‌هایت چه بود؟** بیماری؛ سال‌هاست که مریضم.

● **از چه زمانی متوجه بیماری‌ات شدی؟** از دوران کودکی‌ام. اما هرگز خوب نشدم. خسته شده‌ام.

● **درمان‌هایت به جایی نرسید؟** بیماری من هیچ درمانی ندارد. حدود یک ماه قبل از این ماجرا یک هفته در بیمارستان بستری بودم. بعد از مرخصی هم دارو مصرف می‌کردم. اما هیچ کدام از آنها بی‌خوابی‌هایم را درمان نکرد.

● **بیماری‌ات چیست؟** اسکیزوفرنی دارم. از بچگی این بیماری با من بود.

● **تحـــصیلاتت چقدر است؟** لیسانس مدیریت دارم و در یک شرکت دولتی کار می‌کردم.البته همسرم هم همکارم بود. چون بچه داریم او شیفت روز کار می‌کرد و من شیفت شب تا بتوانیم از پسرمان هم مراقبت کنیم.

● **دست‌چرا زخمی شده؟** در درگیری دیروز این اتفاق افتاد.

● **با همسرت چه مشکلی داشتی؟** هیچ مشکلی با هم نداشتیم. من عاشق همسرم بودم. لطفاً در مورد مسائل خصوصی زندگی‌ام سؤال نپرس.

● **به خاطر بیماری با همسرت مشکل نداشتی؟** او درکم می‌کرد و همیشه کنارم بود. او زن پاکی بود که به جز خوبی از او چیزی ندیده بودم. نمی‌خواهم رضایت بگیرم، می‌خواهم اعدام شوم. همه می‌دانند که عاشق همسرم بودم.

● **روز حادثه چه اتفاقی افتاد؟** وقتی پسرم را به خانه خواهرم بردم، به خانه پدرزنم برگشتم. ابتدا او، بعد مادرزنم و دست آخرهم همسرم را با چاقوزدم. ولی بازهم برگشتم و چند ضربه به مادرزنم زدم.

● **چرا فرار نکردی؟** من خطا کردم و باید مجازات شوم. به همین خاطر فرار نکردم تا اینکه مأموران رسیدند.

● **فکر می‌کنی خانواده همسرت رضایت بدهند؟** دوست دارم تاوان کارم را بدهم و اصلاً به فکر رضایت نیستم.

● **الان چه احساسی داری؟** از پشیمانی گذشته راضی به زندگی نیستم. اما فقط نگران آینده پسر ۵ ساله‌ام هستم.

برش

نگاه کارشناس


دکتر جمال ادهمی

ریشه جنایت‌های خانوادگی

گروه حوادث: کامران علمدهی/ انتشار اخبار کشته شدن دوزن جوان و مادران‌شان و مجروح شدن پدرزن‌ها به دست دامادهای عصبانی طی یک روز در دو شهر کشور، بار دیگر زنگ خطرهای جدی درباره اهمیت توجه و رسیدگی به مسائل و مشکلات خانوادگی و درمان این مسائل و موارد مشابه را به صدا درآورد. اما براستی جنایت‌هایی از جمله همسرکشی و کشتن اعضای خانواده همسر تا چه حد ریشه در مسائل و مشکلات خانوادگی، آموزشی، اجتماعی و روانی افراد دارد و چگونه می‌توان از وقوع این قبیل جرایم پیشگیری کرد؟ دکتر «جمال ادهمی»، جامعه شناس و عضو هیأت علمی دانشگاه در خصوص علل وریشه‌های بروز چنین حوادثی به خبرنگار گروه حوادث «ایران» گفت: «پیش از آنکه به‌دنبال عوامل اجتماعی در بروز چنین جنایت‌هایی بگردیم باید به دنبال ویژگی‌های فردی - شخصیتی این افراد باشیم. افرادی که مرتکب این قبیل جرایم خشن می‌شوند اغلب تعادل فردی ندارند و در مواجهه با مشکلات و معضلات خانوادگی، شکست پذیرند. به طور کلی این افراد ارتباط و میانه‌ای با حل مشکلات و معضلات به روش‌های مسالمت آمیز، حل منطقی و واکاوی مسأله ندارند و تنها چیزی که یاد گرفته‌اند برخوردهای قهرآمیزوهمراه با خشونت‌های هولناک است. در وجود این افراد مشکلات به جای حل و فصل جمع می‌شود و در نهایت آنها یک روز به مانند دینامیت منفجر می‌شوند. دکتر ادهمی در پاسخ به این سؤال که آیا قصد این افراد از ابتدا قتل است یا تنها می‌خواهند رعب و وحشت ایجاد کنند، اظهارداشت: در بسیاری از این موارد، اشخاص فقط به‌دنبال ترساندن و به اصطلاح زهر چشم گرفتن هستند. اما وقتی با اتفاقاتی روبه‌رو می‌شوند که انتظارش را نداشتند توانایی مدیریت و هضم آن را ندارند و ناگزیرمرتکب رفتارهای خشونت بار و یاغیرقابل جبران می‌شوند. این درحالی است که وقتی بعد از وقوع چنین جنایاتی با مرتکبان آن صحبت می‌شود، درمی‌یابیم که اکثر آنها قصد قتل نداشته و بشدت هم پشیمان هستند.

■ **نقش دخالت‌های افراطی درزندگی زوج‌ها/** این جامعه شناس درباره نقش دخالت‌های خانواده زوجین در بروز چنین جنایات وتصمیم‌های خشن نیز گفت: درزمینه دخالت‌های خانوادگی دوشیوه مطرح است. یک شیوه همان مسیری است که خانواده‌های سنتی با آن زندگی کرده‌اند ودرزمان بروز مشکلات، بزرگترهای فامیل وریش سفیدان پادرمیانی کرده ومسائل میان زوجین را حل و فصل می‌نمایند. روش دوم هم دخالت خانواده‌ها در حد افراطی است که برخی از زوجین آن را بر نمی‌تابند وهمین مسأله باعث ریشه دواندن یک کینه توزی ودرنهایت خشونت وقتل می‌شود.

■ **جدایی مسالمت آمیز/** این جامعه شناس درادامه تصریح کرد: بی تردید وقتی زوجین نمی‌توانند در کنار هم با خوبی وخوشی زندگی کنند، بهتراست به جای درگیری و خشونت، به‌طور مسالمت‌آمیز از یکدیگر جدا شوند. یکی از روش‌های خوب روابط زوجین در برخی کشورها، توجه به راهکارهای مسالمت‌آمیز است. وقتی دو انسان به خاطراختلاف نظرهای متعدد قادر نیستند در کنار هم زندگی کنند، بهتر است راه مسالمت‌آمیز را انتخاب کنند و از یکدیگر جدا شوند.

■ **به هر قیمتی نباید زندگی زناشویی را حفظ کرد/** وی افزود: متأسفانه طی سال های متمادی مراجعانی داشته و دارم که شاید با اندکی تأمل متوجه می‌شدند که باید از همسرشان جدا شوند اما مسائلی مثل داشتن فرزند، مهریه و ترس از طلاق باعث شده که نه ارتباط خوبی در خانواده‌شان حکمفرما شود و نه شرایط امیدوارکننده‌ای در زندگی‌شان به وجود آید. تنها مسأله این است که چنین زوج‌هایی تلاش می‌کنند به هر قیمتی با هم باشند و این تصمیم‌ها در نهایت به خیانت، دروغ، خشونت وجنایت ختم می‌شود. این در حالی است که جامعه باید به افراد آموزش دهد که واکاوی مسائل و حل و فصل آنها به شیوه‌های مسالمت‌آمیز بهترین راهکار برای برون رفت از چنین مشکلاتی است.دکتر ادهمی در پایان ضمن اشاره به تأثیرونقش مستقیم و غیرمستقیم جامعه دربروز جنایت‌های خانوادگی وجرایمی ازاین دست اظهار کرد: به طور قطع علاوه بر رویکردهای خانوادگی و فردی، جامعه هم نقش مؤثری در بروز چنین وقایع تلخ وهولناک دارند. اگر جامعه از همان بدو کودکی مسیر درست را در برنامه‌های آموزشی، تربیتی، تحصیلی، شغل و...مشخص کند بی‌تردید درسالهای آینده کمترشاهد چنین جنایاتی خواهیم بود.درعین حال باید توجه داشت که امروزه بسیاری از مسائل تحت تأثیر رسانه‌ها قرار گرفته است و خشونتی که رسانه‌های دیداری، بر افراد جامعه می‌گذارند، قابل کتمان نیست. فقط چون تصاویر شفاف ورنگی است، فکر می‌کنیم فیلم‌ها وموارد مرتبط با خشونت در حد تفریح وتفنن است درحالی که تأثیر بسیار زیادی درافزایش خشونت درجوامع دارند.با این حال جادارد تا به مباحثی چون تربیت وآموزش عمومی توجه بیشتری شود. چه بسا اگر فردی همانند دامادهای خشمگین که دریک روزدرتهران و شیراز مرتکب جنایتی مشابه شده‌اند، درکودکی ونوجوانی با راه حل‌های مسالمت‌آمیز آشنا شده بودند و مشکلات و معضلات موجود در زندگی را با تأمل بیشتر وبهره‌مندی ازنظرات مشاوران حل و فصل می‌کردند، امروز در میانسالی باعث نابودی کامل چند خانواده نبودیم. تاوان این بی‌تدبیری به طور قطع باید از سوی فرزندان بی‌گناه این خانواده‌ها وسایرنزدیکان پرداخت شود.چراکه زن خانواده به خاطر خشم ناگهانی شوهرکشته می‌شود شوهر هم باید در انتظار اجرای حکم قصاص باشد. تنها فرزند آنهاست که باید چوب این غائله را بخورد و در انتظار آینده نامعلومش باشد.

٤ دختر و پسر، قربانی تفریح مرگبار


ایران

گروه حوادث / چهار دختر و پسر جوان که برای سفری تفریحی راهی منطقه ییلاقی «شفت» در استان گیلان شده بودند با سقوط به دره کشته شدند.به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، این حادثه بعدازظهر شنبه ۱۴ مرداد، هنگامی رخ داد که راننده کنترل خودروی «آفرود» را ازدست داد.خبرسقوط این خودرو را یکی از چوپان‌ها که شاهد سقوط مرگبار خودرو بود به مأموران داد.فرمانده انتظامی شهرستان شفت در این باره گفت: روز حادثه، مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ به‌دنبال تماس تلفنی یک چوپان و افراد بومی در ارتفاعات منطقه ییلاقات «تولاب بره» ویسرود از توابع شهرستان شفت، درجریان سقوط مرگبار خودرو و کشف چند جنازه قرار گرفتند.بلافاصله تیم‌های پلیس وامدادی به همراه مردم محلی، راهی محل حادثه دراعماق دره شدند واجساد چهار دختر و پسر جوان را ازمیان آهن پاره‌ها بیرون کشیدند.وی با بیان اینکه هویت دو مرد شناسایی شده است؛ اظهار داشت:آنها اهل و ساکن رشت بوده‌اند اما هویت دو خانم هنوز مشخص نیست. ضمن اینکه پس از انتقال اجساد به پزشکی قانونی، علت حادثه تحت بررسی قرار گرفته است.

انفجار مرگبار معدن زغال سنگ

گروه حوادث / انفجارصبح دیروز معدن «دیزین کلا» از توابع «اویج» در شهرستان نور یک کشته ویک زخمی برجا گذاشت.کارگر کشته شده تبعه کشور افغانستان بود و کارگر دیگری که دچار سوختگی شدید شده به بیمارستانی در ساری انتقال یافت.تحقیق درباره علت این انفجار در دستور کار کارشناس‌های مربوطه قرارگرفته است.

خبر

سرباز خشمگین ۳ نفر را کشت

گروه حوادث/ تیراندازی سرباز خشمگین در پادگان نیروی هوایی ارتش، دست‌کم سه کشته و هشت مجروح داشت. ضارب نیز که مجروح شده بود، قبل از رسیدن به بیمارستان جان باخت.به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، دیروزاهالی منطقه «شورآباد» در بخش کهریزک، با شنیدن صدای تیراندازی‌های پی در پی از خانه هایشان بیرون دویدند. کمی بعد مشخص شد صدای گلوله‌ها از داخل پادگان نیروی هوایی می آید اما هیچ‌کس از آن سوی دیوار پادگان خبر نداشت.دقایقی بعد صدای آژیر خودروهای پلیس وامداد به گوش رسید. با ورود نیروهای امدادی و پلیس تیراندازی‌ها شدت گرفت و لحظاتی بعد مجروحان به بیمارستان هفتم تیر انتقال یافتند.یکی از عوامل اورژانس بیمارستان با تأیید انتقال مجروحان به این مرکز درمانی گفت: ۱۰ نفر مجروح به این بیمارستان انتقال یافتند که تعدادی پس از درمان‌های اولیه به بیمارستان بعثت منتقل شدند.با گزارش این پرونده به دادسرای نظامی و با دستور دادستان نظامی، بازپرس ویژه قتل این دادسرا به محل اعزام شد و تحقیقات میدانی در این باره آغاز شده است.گفته می‌شود سرباز ضارب اهل سیستان و بلوچستان بوده که به سوی هم خدمتی‌هایش تیراندازی کرده است، اما هنوز انگیزه این واقعه هولناک و جزییات ماجرا مشخص نیست.

اطلاعیه روابط عمومی ارتش/ روابط عمومی ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز اعلام کرد، در پی حادثه تیراندازی در میدان تیر آموزشی کهریزک تهران، چهار نفر از سربازان کشته وهشت نفر نیز مجروح شدند.براساس این گزارش، مجروحان این حادثه بلافاصله به منظور درمان به نزدیک‌ترین مرکز درمانی اعزام شدند و علت این حادثه توسط تیم ویژه بازرسی در دست بررسی است واخبار تکمیلی در این خصوص اعلام خواهد شد.گفته می‌شود این اتفاق احتمالاً به دلیل مشکلات روحی و روانی سرباز ضارب یا چرخش ناگهانی سلاح رخ داده است.روابط عمومی پایگاه هوایی شهید لشکری نیز اعلام کرد: در پی حادثه تیراندازی در میدان تیر آموزشی کهریزک تهران متأسفانه ۴ نفر از سربازان کشته و ۸ نفر دیگر مجروح شدند که یکی از مجروحان از کارکنان پایور است.

توضیحات مدیر داخلی بیمارستان شهدای هفتم تیر/ مدیر داخلی بیمارستان شهدای هفتم تیر نیز گفت: عامل تیراندازی درپادگان کهریزک و یکی از مجروحان قبل از رسیدن به بیمارستان جان داده بودند. عبدالله مینویی گفت: ۱۰ سرباز زخمی به این بیمارستان منتقل شده بودند که ۲ نفر جان خود را از دست داده و ۸ نفر به بیمارستان دیگری منتقل شدند.

کفش‌های مقتول، پلیس را به قاتل رساند


ایران

گروه حوادث : معصومه مرادپور / مرد میانسال که درکلاس‌های ترک اعتیاد با مرد جوانی آشنا شده بود، وقتی درخانه دوستش میهمان بود، نیمه‌های شب ازخواب بیدارشدوباکارد آشپزخانه، صاحبخانه را در خواب به قتل رساند. عامل این قتل صبح دیروز در شعبه یکم دادگاه کیفری استان البرزبه ریاست قاضی رنجبر پای میز محاکمه ایستاد وبه تشریح جزئیات شب واقعه پرداخت.به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»،رسیدگی به این جنایت از روز یکم دی سال ۹۴ وبه دنبال اعلام خبرقتل مرد جوانی درخانه‌اش واقع در اشتهارد کرج دردستورکار بازپرس کشیک قتل وتیم جنایی قرارگرفت.آنها پس ازحضوردرمحل واقعه با پیکر خونین مرد ۳۹ ساله‌ای به نام یونس در رختخواب روبه رو شدند. پس ازانتقال جسد به پزشکی قانونی، تجسس‌های ویژه برای افشای رازجنایت آغازشد تا اینکه یکی از دوستان مقتول به پلیس گفت: «شب قتل، یونس را دیدم که با یکی ازدوستانش به نام فریدون به خانه‌اش می‌رفت.» کارآگاهان با کشف این سرنخ ودرتجسس‌های فنی پی بردند فریدون با به جا گذاشتن کفش‌هایش در صحنه جنایت، به اشتباه کفش‌های مقتول را پوشیده و از خانه‌اش بیرون رفته است که همین اشتباه، پلیس را به قاتل رساند. متهم پس ازدستگیری واعتراف به قتل دستگیرشد. سرانجام او صبح دیروز در شعبه یکم دادگاه کیفری استان البرز که به ریاست قاضی رنجبر و با حضور قاضی یزدان‌پور - مستشار دادگاه - تشکیل جلسه داده بود پای میز محاکمه ایستاد.در آغاز جلسه، پس ازبیان کیفرخواست، مادر و تنها فرزند مقتول از قضات دادگاه خواستارقصاص قاتل شدند. سپس متهم که کارگر ساختمانی بود دربرابر قضات دادگاه ایستاد تا به سؤالات آنها پاسخ دهد.

اتهام شما مباشرت در قتل یونس است آیا این اتهام را قبول دارید؟ بله قبول دارم اما باورکنید قصد کشتن او را نداشتم.

با مقتول چطور دوست شدی؟ من او را در کلاس‌های ترک اعتیاد شناختم وپس ازآن با هم دوست شدیم.

شب حادثه چرا به خانه مقتول رفته بودی؟ در کلاس ترک اعتیاد بودیم که به دعوت یونس به خانه‌اش رفتیم و با هم شام خوردیم و خوابیدیم.

چرا مقتول را کشتی؟ من انگیزه‌ای برای کشتن وی نداشتم. آن شب وقتی خوابیده بودم ناگهان از خواب بلند شدم و به آشپزخانه رفتم که چاقو به چشمم خورد آن را برداشتم و رفتم سراغ یونس و با یک ضربه چاقو او را کشتم.

ازحدود ۳۰ سال قبل افسردگی داشتم و دارو مصرف می‌کردم. به همین خاطرشب حادثه هم حالت عادی نداشتم...

آیا سرقت هم کردی؟ نه چیزی ندزدیدم.

بعد از قتل یونس چکار کردی؟ صبر کردم صبح شود، بعد رفتم سرکار...

چرا کفش‌های صاحبخانه را پوشیدی؟ نمی دانم، آن روز حالم خوب نبود و بدون اینکه متوجه باشم کفش‌های دوستم را پوشیدم...

ازدواج کرده‌ای؟ بله یک فرزندهم دارم اما از همسرم چند سال قبل جدا شده ام.

چرا؟ همسرم به خاطر اعتیادم طلاق گرفت.

آیا پشیمانی؟ بله من بدون اینکه متوجه باشم مرتکب قتل شدم.اما می‌دانم که اشتباه بزرگی کردم و تمام این اشتباهم به خاطر اعتیادم بود. مواد مخدر زندگی‌ام را سیاه کرد.

رئیس دادگاه از همسر مقتول پرسید:چرا شب حادثه در خانه و کنار همسرت نبودی؟ و زن پاسخ داد دوسالی بود که من از شوهرم طلاق گرفته بودم.

چرا از او جدا شدی؟ شوهرم اعتیاد داشت و بداخلاق بود برای همین از او جدا شدم و حضانت تنها دخترم را از او گرفتم.

الان دخترت چند ساله است؟ ۱۲ سال. البته با سختی مخارج زندگی‌مان را تأمین می‌کنم. یونس به خاطر اعتیادش هم زندگی مرا نابود کرد و هم جان خودش را بر سر این اعتیاد گذاشت. او راننده نیسان بود. ما ۱۹ سال با هم زندگی کردیم اما به خاطر اعتیادش مجبور شدم از او جدا شوم. الان تنها نگرانی‌ام آینده تنها دخترم است.در پایان محاکمه، قضات وارد شور شدند وقرارداست بزودی حکم شان را صادر کنند.

دادگاه


ایران

دو قتل به خاطر رابطه شیطانی

گروه حوادث/ مردی که برای پایان دادن به رابطه شوم برادر معتادش با یک زن شوهردار، هر دو را دریک باغ به قتل رسانده بود، با رضایت اولیای دم از قصاص گریخت و با حکم قضات شعبه چهارم دادگاه کیفری استان تهران به زندان محکوم شد.به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از نهم آذر سال ۸۹ و با گزارش قتل یک زن و مرد به کلانتری رودهن آغاز شد. با حضور بازپرس کشیک قتل وکارآگاهان در صحنه جنایت، تحقیقات در این باره در دستور کار مأموران قرار گرفت و پس از آن «داوود» -برادر مرد کشته شده- به‌عنوان تنها مظنون، تحت بازجویی قرار گرفت اما او از موضوع اظهار بی‌اطلاعی کرد و مدعی شد پس از قتل به باغ رسیده وبا اجساد قربانیان روبه‌روشده است.کارآگاهان در ادامه تحقیقات با بررسی تماس‌های زن جوان کشته شده، به تحقیق از راننده آژانسی پرداختند که آخرین تماس گیرنده با قربانی بود.با اظهارات این راننده حقایق تازه‌ای درباره جنایت فاش شد.او گفت: من این زن را از مدتی قبل می‌شناختم. او شوهر داشت اما به بدنامی در محل معروف بود. اما من به این حرف‌ها کاری نداشتم و گاهی ازسر خیرخواهی به او کمک می‌کردم. تا آنجا که من می‌دانم او این اواخر با دو برادر رفت و آمد داشت که یکی از آنها «داوود» بود.به این ترتیب کارآگاهان بار دیگر داوود را احضار کردند و این بار او مجبور به اعتراف شد وگفت: «صبح روز حادثه در حال رفتن به محل کار بودم که برادرم با من تماس گرفت و گفت می‌خواهد به باغ برود و از من نیز خواست به دیدنش بروم. من این موضوع را تا عصر از یاد برده بودم و می‌دانستم که او مثل همیشه می‌رود مواد مصرف کند. تصمیم گرفتم به سراغش بروم که در آنجا او را با این زن شوهردار دیدم که در حال مصرف مواد بودند. با آنها صحبت کردم و نصیحت‌شان کردم که از این کارهایشان دست بردارند اما آنها گوش نکردند و به جای این موضوع با چاقویی که همراه‌شان بود به من حمله کردند. من هم ترسیدم و با یک چاقو که روی زمین افتاده بود ابتدا برادرم را زدم و بعد گلوی زن جوان را بریدم. اما نمی‌خواستم آنها را بکشم و فقط برای دفاع از خودم آنها را با چاقو زدم.»

با اعترافات متهم و تکمیل تحقیقات، پرونده به دادگاه ارسال و متهم به قصاص محکوم شد. اما با رضایت اولیای دم قاتل از قصاص رهایی یافت. به این ترتیب صبح دیروز رسیدگی به این پرونده از جنبه عمومی جرم در شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران انجام شد و با رأی قضات، متهم به نه سال زندان محکوم شد.

پایان پرونده جنایت ۱۲ ساله زن خیانتکار

گروه حوادث/ پرونده قتل فجیع مرد جوانی که ۱۲ سال قبل در توطئه طراحی شده توسط همسرش و با همکاری دو مرد غریبه تکه تکه شده بود، با تعیین دیه ۱۸۰ میلیون تومانی و ۱۵ سال حبس برای متهمان وارد مرحله تازه‌ای شد.به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده در سال ۸۴ و با گزارش ناپدید شدن مرد جوانی ازسوی برادرش، در دستور بررسی قرار گرفت. برادرمردگمشده به مأموران گفت: «چند روزی است برادرم «فرشید» ناپدید شده و همسرش مدعی است قاچاقی به کربلا رفته است.اما من که به موضوع مشکوک شده بودم به بررسی رفت وآمدها وتماس‌های زن برادرم پرداختم و فهمیدم اوبا مرد ناشناسی درتماس است.»

با این سرنخ، تحقیقات برای ردیابی مرد جوان آغاز شد و همسر او به‌عنوان تنها مظنون پرونده بازداشت شد. این زن در بازجویی‌ها به داستانسرایی‌هایش ادامه داد و مدعی شد آخرین بار با شوهرش قبل از اینکه مرز را ترک کند تماس گرفته اما ردیابی تلفن همراه مرد گمشده نشان می‌داد او از تهران خارج نشده است. کارآگاهان همزمان با بازجویی‌های تخصصی از زن جوان و با ردگیری تماس‌های این زن، مردی به نام «علی» و پسرعمه‌اش را بازداشت کردند. دو متهم پس از دستگیری با اعتراف به قتل «فرشید» مدعی شدند جسد مثله شده این مرد را در نقاط مختلف ورامین انداخته‌اند. این در حالی بود که جسد چند تکه مردی ناشناس پیش از دستگیری متهمان پیدا شده بود که درادامه مشخص شد متعلق به قربانی ماجراست. با این اعترافات همسر متهم نیز دوباره تحت بازجویی قرار گرفت و اعتراف کرد که به خاطر آزار و اذیت‌های شوهرش نقشه قتل او را کشیده است. اما این ادعا از سوی فرزندانش رد شد.بدین ترتیب این پرونده برای رسیدگی به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و قضات همسر مقتول را به اتهام معاونت در قتل به ۱۵ سال حبس محکوم کردند و دو مرد قاتل نیز در ازای پرداخت ۱۸۰ میلیون تومان (هر کدام ۹۰ میلیون) موفق به دریافت رضایت از خانواده مقتول شدند.

دانشجوی کارگردانی طراح سرقت مرگبار از خانه پدربزرگ

گروه حوادث/ دانشجوی انصرافی رشته کارگردانی وقتی با وسوسه‌های دوستانش، نقشه سرقت از خانه ویلایی پدربزرگش را با کمک آنها طراحی و اجرا کرد، نمی‌دانست این سرقت چه پایان شومی دارد.

به گزارش خبرنگار جنایی «ایران»، ساعت ۲ بعد از ظهر شنبه ۱۴ مرداد، بازپرس کشیک قتل پایتخت به‌دنبال تماس مأموران مستقر در یکی از بیمارستان‌های غرب تهران از مرگ پسر جوانی خبردار شد که با شلیک گلوله به سرش کشته شده بود.به‌دنبال اعلام این خبر، بازپرس منافی آذر و تیم جنایی راهی بیمارستان شدند. در بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد قربانی ماجرا در جریان سرقت از خانه ویلایی در غرب تهران هدف شلیک مأموران پلیس قرار گرفته و پس از انتقال به بیمارستان جان باخته است، یکی از همدستانش نیز با شلیک مأموران مجروح شده بود.

نوه صاحبخانه که در جریان سرقت دستگیر شده بود در بازجویی‌های قضایی جزییات ماجرا را بیان کرد. این پسر۲۲ ساله که دانشجوی انصرافی رشته کارگردانی ویکی از سارقان خانه ویلایی در محله «کن» است در گفت‌وگو با خبرنگار ما مدعی شد، در میانه راه پشیمان شده اما به ناچار با دوستانش در سرقت از خانه پدربزرگ همراه شده است.

چه شد که نقشه سرقت از خانه پدربزرگ را کشیدی؟

برای انتقامگیری، اما بیشتر به خاطر وسوسه دوستانم این کار را انجام دادم.


ایران

چطور تو را وسوسه کردند؟

حدود سه ماه قبل برای دیدن پدربزرگم به خانه‌اش رفتم. آن روز همدست فراری‌ام شهرام که سابقه دار است با من آمد و زمانی که من داخل خانه بودم او وارد حیاط شده بود. از آنجا که بیرون آمدیم وسوسه‌هایش شروع شد و گفت: «چطور با داشتن چنین پدربزرگی شما در پایین شهر زندگی می‌کنید و او در اینجا و در چنین خانه بزرگی.» آنقدر گفت که بالاخره وسوسه شدم البته از پدربزرگم هم کمی ناراحتی داشتم، چراکه پدرم به او کمک کرده بود تا کارخانه‌ای بسازد. اما وقتی پدرم مرد او به بچه‌های دیگرش خیلی توجه کرد. به همین دلیل هم کینه او را به دل گرفتم.

پس به این نتیجه رسیدی که با آنها همراه‌شوی؟

بله، البته شب سرقت پشیمان شدم و حتی ماشینم را دستکاری کردم تا روشن نشود. ولی شهرام خیلی زود فهمید و ماشین را درست کرد. بالاخره به خانه پدربزرگم رفتیم. در تمام این مدت من داخل ماشین بودم و شهرام و دو نفر از دوستانش به داخل خانه رفتند. چند دقیقه‌ای از حضورشان گذشته بود که پشیمان شدم و تصمیم گرفتم به آنها بگویم که دست از سرقت بردارند.

وتو به آنها گفتی؟

اصلاً به همین دلیل داخل خانه شدم و به آنها گفتم. ساک دست شهرام بود، او خیلی حرفه‌ای بود و گاوصندوق را هم باز کرده بود. هنوز صحبت هایم تمام نشده بود که نور چراغ قوه مأموران ما را غافلگیر کرد. ساک را رها کردیم و به اتاق خواب پناه بردیم. یکی از مأموران در را باز کرد و شهرام هم گاز اشک آور به صورت او زد. خواستیم فرار کنیم که شلیک کردند و دو نفر از بچه‌ها مجروح شدند.

تو که می‌دانستی شهرام آدم خلافکاری است چرا با او ارتباط داشتی؟

من نمی‌خواستم ارتباط داشته باشم، آنها دست بردار نبودند. من در نقش راننده‌شان بودم. باور کنید آخر کار پشیمان شدم ولی این اتفاق افتاد.

تحصیلاتت چقدر است؟

دانشجوی کارگردانی بودم اما بعد از فوت پدرم ترک تحصیل کردم و با ماشین کار می‌کنم.

حالا پشیمانی؟

بله صد درصد اشتباه بزرگی کرده‌ایم. متأسفانه یکی از دوستانم مرده و دوست دیگرم هم تیرخورده و مجروح است. ای کاش هیچ وقت وارد این ماجرا نمی‌شدیم. حالا هم نمی‌دانیم سرنوشت‌مان چیست.

۱۳ کشته در تصادف های جاده ای

گروه حوادث / طی چند حادثه رانندگی که روز شنبه و دیروز در نقاط مختلف کشور اتفاق افتاد ۱۳ نفر کشته و عده‌ای هم مجروح شدند.

۳ کشته و دو زخمی در حادثه رانندگی محور اقلید - یاسوج/ در تصادف بین سه خودروی کامیون، پراید و پیکان در جاده اقلید به یاسوج سه نفر کشته و دو نفر هم زخمی شدند.این حادثه ساعت ۲۲ و ۳۰ دقیقه شنبه شب در جاده اقلید به یاسوج حوالی سه راهی روستای منصور خانی کاکان اتفاق افتاد و زخمی‌ها به بیمارستان انتقال یافتند.رئیس پلیس راه استان گفت: علت حادثه توسط کارشناسان پلیس راه در حال بررسی است.

مرگ ۴ موتورسیکلت سوار/ برخورد یک پژو ۴۰۵ با یک موتورسیکلت در جاده فرعی سورمق به آباده، دو کشته برجای گذاشت.کشته شدگان هر دو سرنشین موتورسیکلت بودند که در محل تصادف جان سپردند. کارشناسان پلیس راه علت وقوع این حادثه را عدم رعایت حق تقدم از سوی راننده پژو و تخطی از سرعت مطمئنه اعلام کردند.همچنین ساعت یک بامداد دیروز دوجوان موتورسیکلت سوار در خیابان هفت تیر قم در یک حادثه رانندگی جان خود را از دست دادند.

مرگ بانوی سالخورده در تصادف/ با واژگون شدن یک پژو ۴۰۵ در محور آهنگران - ساروق زن ۷۰ ساله‌ای کشته شد.در ساعت ۷:۳۰ صبح دیروز در کیلومتر ۶ جاده آهنگران - ساروق این خودروی سواری پژو۴۰۵ پس از انحراف از جاده واژگون شد که در این سانحه رانندگی یکی از سرنشینان خودرو که خانمی ۷۰ ساله بود جان خود را از دست داد.

ورود مرگبار پراید به مغازه / انحراف یک خودروی پراید به داخل مغازه در گلوگاه مازندران یک کشته برجا گذاشت.این حادثه ساعت ۱۰ شنبه شب اتفاق افتاد و راننده ۲۴ ساله خودروی پراید به دلیل شدت حادثه در دم جان باخت.